

نمایی از زندگانی حضرت امام هادی علیه السلام

<"xml encoding="UTF-8?">

امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در نیمه ذی الحجه سال 212 ق نزدیک شهر مدینه در روستای صریا، چشم به دنیا گشود و در ماه رجب سال 254 ق در سرّ من رأی (سامرا) توسط معتز عباسی به شهادت رسید. ایشان پس از پدر بزرگوارش 33 سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند. [1]

نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه بود [2]؛ البته مدنب، حدیث و غزال هم گفته اند. [3]

لقب های آن حضرت را نقی، هادی، امین، طیب، ناصح، مرتضی و... ذکر کرده اند. کنیه اش ابوالحسن است و به ایشان ابوالحسن ثالث می گویند. [4]

امام هادی علیه السلام از آغاز امامت در مدینه حضور داشتند و در مدت اقامت در این شهر نقش بسیار مهمی در رهبری شیعیان ایفا کردند؛ به طوری که حکومت عباسی از موقعیت ممتاز امام احساس خطر کرده و حضور ایشان در مدینه را به صلاح ندانست، متوکل برای کنترل بیشتر امام علیه السلام تصمیم گرفت ایشان علیه السلام را از مدینه به سامرا منتقل کند. در سال 233 ق بنابه گزارش هایی که جاسوسان از فعالیت های امام علیه السلام داده بودند، متوکل به یحیی بن هرثمه مأموریت داد تا این انتقال را انجام دهد. با ورود یحیی بن هرثمه به مدینه، مردم که سخت مشتاق و شیفته امام خود بودند، اعتراض خود را علنی کردند؛ به طوری که یحیی بن هرثمه اعلام کرد که کاری به امام علیه السلام ندارد و هیچ خطری امام علیه السلام را تهدید نمی کند. پس از مدتی به بهانه این که در منزل امام بر علیه حاکم عباسی سلاح جمع آوری می شود به خانه امام علیه السلام حمله بردند، ولی چیزی جز قرآن و ادعیه نیافتند. جالب اینکه خود یحیی بن هرثمه پس از بازگشت می گوید: «چیزی جز بزرگواری، ورع، زهد و شجاعت در او نیافتم». [5]

متوکل در ساعات اولیه ورود امام به سامرا به شکلی اهانت آمیز با امام برخورد کرد و نه تنها به استقبال حضرت نیامد، بلکه دستور داد ایشان را در محلی که مخصوص گداها بود و به «خان الصعاليك» شهرت داشت، وارد کنند. بعد از استقرار امام هادی علیه السلام در سامرا تمامی رفت و آمدها و ارتباطات امام تحت کنترل بود و به محض شنیدن اینکه امام علیه السلام از اموال و سلاح شیعیان نگهداری می کند، نظامیان شبانه به خانه امام علیه السلام هجوم می بردند؛ ولی چیزی به دست نمی آوردند.

در طول مدت حضور امام علیه السلام در سامرا هر روز بر عظمت و محبوبیت آن حضرت افزوده می گشت و همه ناخواسته در برابر امام علیه السلام متواضع و خاشع بودند و سخت محترمشم می داشتند. [6] البته نفوذ امام منحصر به شیعیان نبود و شامل درباریان عباسی هم می شد. حتی اهل کتاب هم به امام علیه السلام احترام می گذاشتند.

متوکل وقتی در اقدامات خود علیه امام علیه السلام ناکام ماند، به نزدیکان خود اعلام کرد که در کار امام هادی علیه السلام درمانده شده است؛ از این رو به محدودیت و فشار اکتفا نکرد و تصمیم به کشتن امام علیه السلام

گرفت و حتی اقداماتی هم انجام داد؛ اما پیش از آنکه موفق شود، خود به هلاکت رسید. [7]

برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

1. ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمینه ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیه السلام بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می کردند. در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده اند:

(الف) بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

(ب) بشارت به ولادت حضرت حجت ومخفی بودن ولادت و هشدار این که مبدا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

(ج) کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛ به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛ [8]

(د) تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

(و) ارجاع سؤالات شیعیان به وكلا و توجیه وكلا نسبت به پرسش های شیعیان؛ با توجه به انحرافات و شبهات آن روز.

2. مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنایی نادرست، امامان معصوم علیه السلام را تا مقام خدایی (نعوذبالله) بالا می بردند. امام هادی علیه السلام - همانند امامان قبلی - موضع خویش را در قبال آنان روشن می ساخت و آنان را از گروه شیعه نمی دانست و حتی در نامه های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی می فرمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می نمود. [9]

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام هادی علیه السلام می ایستادند. امام هادی علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن و هم نشینی با آنان و ورود به جلسه هایشان به شدت برحذر می داشت و آنان را هم نشینان شیطان و نابود کننده پایه های دین و پیروان این گروه را نادانان می دانست و کسانی را که به آنها گرایش پیدا می کردند، احمق معرفی می فرمود. [10]

3. تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه علیه السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است. امام هادی علیه

السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادهای لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش برد اهداف اسلامی تربیت می فرمودند. این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند. برجسته ترین این افراد عبارتند از:

1. عبدالعظیم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می باشد و از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است.
2. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.
3. عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از نایبان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است.

4. تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظارت و کنترل بوده اند، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می بردند. به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت.

در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن و مصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند. وکلای امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده ای داشته اند و در جا انداختن امامت امام بعدی و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند. (البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می شدند. [11])

این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

5. تبیین مقام شامخ امامت از طریق زیارت غدیریه و زیارت جامعه

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می گردید؛ چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت. امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کردند. مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک دائرة المعارف شیعه به حساب می آید و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

الف) زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه علیهم السلام است. شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند. شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده اند. علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن - که به درجه قطع رسیده - می گوید: «این

زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معنا و عالی ترین شأن است. [12] امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه ها و پایه های اصلی شیعه را بیان فرمودند.

ب) زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیرالمؤمنین در عید غدیر خم معروف است. در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند، ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفته و این زیارت را قرائت کردند که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند.

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع ترین و پربرترین زیارت هاست. در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود. امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم، آنان را از خواب غفلت بیدار می کند.

پی نوشت ها :

*. کارشناس تاریخ و مهدویت

[1]. شیخ مفید، ارشاد، ص 327.

[2]. همان، ص 307.

[3]. حسینی، محمدرضا، تاریخ اهل البیت علیه السلام، ص 123.

[4]. مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج 4، ص 401، به کوشش محمدحسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی.

[5]. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص 359.

[6]. اربلی، کشف الغمة، ج 2، ص 398؛ تحقیق سید هاشم رسولی.

[7]. ابن طاووس، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص 27 (به نقل از تاریخ تشیع، ج 1، ص 292).

[8]. محمد جواد طبسی، حیاة الامام العسکری علیه السلام، صص 325-316 (با اندکی تصرف و تلخیص).

[9]. اختیار معرفة الرجال، ص 519، (به نقل از تاریخ تشیع، ج 1، ص 294).

[10]. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، صص 135 - 134، (به نقل از تاریخ تشیع، ج 1، ص 294).

[11]. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص 513.

[12]. مزارالبهار، به نقل از باقر شریف قرشی، زندگانی امام علی الهادی علیه السلام، ص 168.